

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 188

Date of filing 9 Aug 1983

____ AWARD. Date of Award _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

____ DECISION. Date of Decision _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

____ ORDER. Date of Order _____

_____ pages in English. _____ pages in Farsi.

____ CONCURRING OPINION of _____

Date _____ pages in English. _____ pages in Farsi.

____ DISSENTING OPINION of _____

Date _____ pages in English. _____ pages in Farsi.

OTHER; Nature of document: Reason for Absence

Date _____ pages in English. 38 pages in Farsi.

of Signature

188-112
111-115

188-112
111-112

پرونده شماره ۱۸۸
شبه دو
حکم شماره ۲-۱۸۸-۶۱

گروئن اسوشییتس اینکورپوریتد،
خواهان،

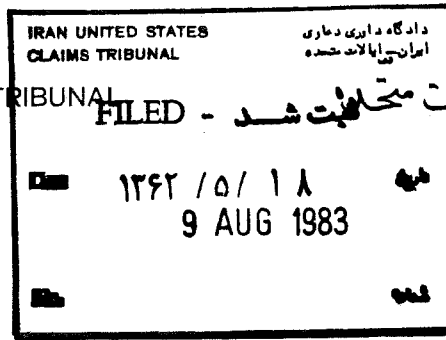
IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده
ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۲ / ۵ / ۱۸ 9 AUG 1983
No 188 ۱۸۸

- و -

شرکت خانه سازی ایران،
وزارت بهداشت و بهزیستی،
دولت جمهوری اسلامی ایران،
خواندگان،

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

دائیل عدم وجود امضا
آقای شفیع شفیعی



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحده ایران

علل عدم وجود امضاء اینجانب در زیر "باصلاح" دادنامه های

شماره ۳-۴۴۹-۵۸، ۲-۲۲۰-۵۹، ۲-۸۳-۶۰ و ۲-۱۸۸-۶۱ که بطور

غیرقانونی وسیله آقایان جرج آلدریج و بله ما در شده است :

وجودنا می یک داور در زیر دادنامه مبین شرکت وی در ساخت دادنامه، یعنی شرکت در تشکیل دادگاه، شرکت در بحث و شورهای کاملاً دمکراتیک، اتخاذ تصمیم، تهیه پیش نویس دادنامه و بررسی آن و سرانجام تهیه دادنامه قطعی و امضاء آن است. من هیچگونه شرکت، نقش و حضوری در ساخت این دادنامه نداشته‌ام. همه چیز کاملاً در غیاب من و بدون اطلاع اینجانب انجام شده است بنا بر این مناسب چنین بود که آقایان جرج آلدریج و بله توضیح می‌دادند که چرا اساساً "نام مراد در زیر این دادنامه ها قید کرده اند؟ من در سر تا سر ماه ژوئیه بمنظور استراحت و انجام کارهای عقب مانده دادگاه از مرخصی سالیانه خود استفاده می‌کردم و این امری کاملاً مشروع و موجه بود. آقایان بله و آلدریج دادگاهی دوفره تشکیل داده و این آراء را صادر نموده اند.

اگر آقایان از ذکر نام اینجانب در زیر دادنامه ها خودداری می نمودند، من حداقل می توانستم صراحت آنها را تحسین نمایم، اما آقایان نام مرا نوشته و مطالبی هم عنوان کرده اند. این را من دروغ، فقدان صمیمیت و ریا از جانب آقای بله، رئیس سابق دیوان عالی کشور فرانسه و آقای جرج آلدریج، داور آمریکایی، می نامم.

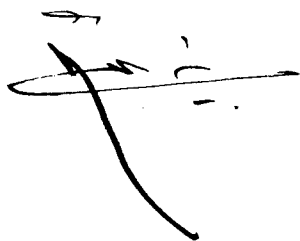
به موجب بیانیه حل و فصل دعوی که در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ به امضاء دو دولت ایران و آمریکا رسیده است، شعب این دادگاه الزاماً "باید با حضور دودا و رانتصابی دودولت و داور مشترک تشکیل گردد. شعبه در هیچ شرایط و حتی برای مسائل اداری و فوری نمی تواند بدون حضور دودا و رانتصابی دودولت تشکیل شود. عمل آقایان بله و آلدریج، نقض آشکار و عمدی بیانیه های الجزایر و سایر مقررات دادگاه است.

امروز بیش از پیش آشکار می شود که دولت ایران قربانی خیانت در امانت شده

- ۲ -

است زیرا آنچه این دادگاه را به نقض آشکار و عمدی بیانیه‌های الجزایر و مقررات دادگاه‌های و امی دارد، وجود حساب‌امانی است.

در هر صورت هیچ چیزی وصف غیرقانونی عمل آقایان را توجیه نمی‌کند و ارزشی آن نمی‌کاهد بویژه این رفتار غیرقانونی از جانب کسی انجام می‌پذیرد که خود سالها بعنوان رئیس دیوان عالی کشور فرانسه، پاسدار قانون بوده است. دروغ، ریا و فسادان صمیمیت نیز مسئولیت این قضات را که من محکوم به همکاری با آنان بوده‌ام در چندین مورد در چندین کشور می‌کند. من بطور مشروح دلائل عدم وجود امضاء خود را در ذیل دادنامه‌های فوق الذکر در نامه‌های مورخ ۱۴ و ۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۲ خطاب به آقای لاگرگرن شرح داده‌ام. مناسب چنین بنظرمی‌رسد که عین این نامه‌ها را پیوست نمایم.



دکتر شفیق شفیعی

۵ اوت ۱۹۸۳

جناب آقای لاگرگرن

از آنچه که در شعبه دوم در سرتا سرمایه ژوئیه در مدت غیبت اینجانب گذشته است اطلاع کامل دارید. من امروز دوم اوت در دادگاه حاضری شوم و پس از حضور و ملاحظه آرائی که در غیاب اینجانب صادر شده است، شروع به نوشتن این نامه برای شما می کنم. صدور این احکام در غیاب اینجانب، مورد بسیار بسیار آشکار خیانت در امانت و سوء استفاده از اختیارات است من از آن هم بسیار بسیار متأسف هستم و هم در عین حال بسیار بسیار خوشحال .

من در سرتا سرمایه ژوئیه در مرخصی بوده ام. آقای بله از این امر اطلاع کامل داشته است و برخلاف واقع ایشان شایع نموده است که من ناگهانى *disparaitre* شده ام. ایشان در غیاب اینجانب با داد و آریکایی مرتبا "دادگاه دونفری تشکیل داده، و در پرونده هایی که کوچکترین بحث و گفتگویی درباره آنها نشده بوده است، خودسرانه دونفری رای صادر نموده اند.

من در نامه ای که بزودی برای شما خواهم نوشت، جریان کامل امر و مکاتباتی را که بین اینجانب و آقای بله انجام گرفته است مجدداً شرح خواهم داد. اکنون برفرض آنکه اینجانب بطور غیرموجه از انجام وظیفه خویش سرباز زده ام، برای داور هم ممکن است مانند هر انسان طبیعی دیگر، فوت، استعفاء و یا *carence* پیش آید، تکلیف اینها را بند ۲ ماده ۱۳ قواعد دیوان داورى روشن نموده است. در هر صورت مطابق بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل، هریک از شعب دیوان داورى بایستی از ۳ داور تشکیل شود. هیچ چیزی آقایان بله و آلدریچ را مجاز به تشکیل دادگاه دونفره، مشاوره دونفره، اتخاذ تصمیم دونفره و امضای رای دونفره نمی نموده است.

در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۸۳ در پرونده شماره ۴۴۹ صلح نامه ای بین طرفین تنظیم و به دادگاه تقدیم و درخواست صدور رای براساس آن شده

- ۲ -

است. این پرونده اساساً "متعلق به شعبه ۳ دادگاه بوده است نه شعبه ۲ و اساساً" فوریتی هم در آن وجود نداشته است، فقط طرفین از دادگاه درخواست نموده بودند: "نسبت به صدور رای داوری، در صورتیکه ممکن باشد، بر مبنای شرایط مورد توافق در موافقتنامه حل و فصل و الحاقیه اصلاحی آن بموقع اقدام نماید" (تاکید اضافه شده است).

مطابق بند ۱ ماده ۳ بیانیه حل و فصل دعاوی، چنین بنظرمی رسد که انتقال پرونده‌ها به شعب از وظایف و اختیارات رئیس کل هیئت داوری است. طبق دستور شماره ۱۰ رئیس اجازه این انتقال فقط در صورت تقاضای دستور موقت و فوریت امر اعطا شده است. اما آقای بله با نقض مفاد دستور شماره ۱۰ خودشان این پرونده را از شعبه سوم به شعبه دوم انتقال داده است. در غیاب اینجانب در ماه ژوئیه به اتفاق داور آمریکایی، دادگاه دونفره تشکیل داده، دادگاه احرار صلاحیت نموده، حکم نوشته و سپس در تاریخ ۱۳ ژوئیه نامه‌ای صرفاً "به عنوان تشریفات به دفتر اینجانب فرستاده و با علم و یقین کامل از اینکه اینجانب در مرخصی هستم و حضور من ممکن نیست، مرا برای حضور و امضاء رای در تاریخ ۱۴ ژوئیه دعوت نموده است و سپس خود سرانه حکم را امضاء نموده اند. جالب توجه است که در این نامه هم، آقای بله مرا برای تشکیل جلسه دادگاه و مذاکره و مباحثه و مشاوره درباره موضوع دعوت ننموده اند. ایشان همه کارها را دونفره انجام داده اند و فقط برای تشریفات نامه‌ای به دفتر اینجانب فرستاده و مرا برای امضاء رای دعوت نموده است و سرانجام رای را امضاء نموده اند. در این دادنامه آقای بله و داور آمریکایی اساساً "هیچ توضیحی نداده اند که چگونه اساساً قبل از امضاء دادنامه، ایشان دادگاه دونفره تشکیل داده و به مشاوره درباره موضوع و اتخاذ تصمیم و انشاء رای پرداخته اند؟ این دادنامه که این گونه کاملاً "بطور غیر قانونی نوشته شده است، طبق اطلاعی که یافته‌ام وسیله داور دیگر آمریکایی آقای ماسک نزد شما به استکھلم برای notification فرستاده شده است و جنابعالی نیز با علم و یقین کامل از جریان و از وصف غیر قانونی بودن، دستور پرداخت وجه را داده‌اید.

آقای رئیس، اجازه بفرمایید خیلی خیلی صریح باشم. آنچه رخ داده است، جز خیانت در امانت، تجاوز آشکار از اختیارات، نقض آشکار بیانیه‌های الجزایر و

- ۳ -

و مقررات دادگاه و پرداخت غیرقانونی وجه از حساب امانی چیز دیگری نیست و متأسفانه شخص شما هم با همه احترامی که من برای شما داشته‌ام، ممکن است در این مسئولیت سهیم باشید. وضعیت سایر احکامی هم که اخیراً صادر شده است، همین است. من درستاً سرمایه‌ژوئیه در مرخصی بوده‌ام، آقای بله با آگاهی کامل از این امر، ظاهراً "تصمیم گرفته بوده است که برخلاف مقررات، آرائی صادر کند. من در این پرونده و سایر پرونده‌ها هیچ گونه نقش و حضور و دخالتی نداشته‌ام، بنا بر این نمی‌دانم چرا آقایان بله و آلدریج نام مرا در زیر برای نوشته‌اند؟ اگر آقای بله با کمال صداقت از نوشتن نام من خودداری می‌کرد، من حداقل شجاعت اخلاقی ایشان را ستایش می‌کردم اما متأسفانه ایشان نام مرا زیر این دادنامه‌ها نوشته و مطالبی هم به دروغ عنوان نموده‌اند. شاید در حدود ۲ ساعت است که به آن چیزی که در زیر دادنامه شماره ۱۸۸ درباره من نوشته شده است، نگاه می‌کنم و می‌اندیشم، دروغ و جعل واقعیات از طرف رئیس سابق دیوان عالی کشور فرانسه و داور آمریکایی واقعاً "قابل تأسف است. در این پرونده از نظر ماهیت، حداقل شرافت اخلاقی نیز رعایت نشده است، من این را آگاهانه به کسانی که محکوم به همکاری با آنها بوده‌ام هستم، نسبت می‌دهم. در این پرونده همین طور و بدون هیچ توجیهی، آقایان بله و آلدریج تصمیم گرفته‌اند که مبلغ ۵۰۰ هزار دلار باید به خواهان آمریکایی پرداخت شود. جای تأسف است که آشکاراً حق دفاع خواننده تضییع شده است. من در برابر خواننده احساس شرم و خجالت می‌کنم اما چه می‌شود کرد؟ تمام شرایط و اوضاع و احوال در این پرونده نشان می‌دهد که آقایان بله و آلدریج از همان اول مصمم بوده‌اند که مبلغی از حساب امانی به خواهان پرداخت نمایند.

از سوی دیگر از همه آن چیزی که پیش آمده است بسیار بسیار خوشحالم. اگر آن چیزی که پیش آمده، پیش نمی‌آمد، من هرگز نمی‌توانستم ما هیت این دادگاه و مخصوصاً "شعبه" دوم را روشن کنم.

- ۴ -

اکنون کاملاً آشکار است که جمهوری اسلامی ایران قربانی یکی عدالتی آشکار و مخصوصاً "قربانی خیانت در امانت است. بویژه آن چیزی که این دادگاه را در نقض قانون تشویق می کند وجود Security Account است. اگر این صندوق وجود نداشت و احکام به این نحو غیرقانونی و بدون هیچ دقتی از طرف شما پرداخت نمی شد، حداقل مصالح خود خواهانهای آمریکایی ایجاب می کرد که در صورت احکام، قانون و دادرسی رعایت شود. زیرا احکام غیرقانونی در مراحل اجرایی مسلماً "دچار اشکال خواهند شد. بنابراین فکرمی کنم که آقای بله و آلدریج شجاعت خاصی در نقض قانون و بیانه های الجزایر نداشته اند بلکه اطمینانی که از پرداخت این احکام و رویه این دادگاه داوری دارند آنها را به نقض آشکار مقررات واداشته است. جالب توجه است که خود آقای بله در ملاقات خویش با نماینده جمهوری اسلامی ایران اظهار می دارد که ایشان می خواهد در غیاب اینجانب رای صادر کند و جمهوری اسلامی ایران می تواند از این آراء در دادگاههای هلند شکایت کند. یعنی خود آقای بله آگاه بوده است که برخلاف مقررات و بیانه های الجزایر عمل می کند و این دیگر شرم آور است.

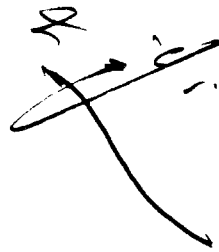
آقای رئیس، بخش مهمی از مسئولیت این امر غیرقانونی و نقض آشکار بیانه های الجزایر با خود شماست. ابتدا از طرف آقایان بله و آلدریج در پرونده شماره ۴۴۹ حکمی به طور غیرقانونی صادر می شود و شما با علم و یقین کامل به اینکه این تصمیم و حکم غیرقانونی است، دستور پرداخت وجه آن را از حساب امانی می دهید.

اکنون این دیگر وظیفه و اختیار نماینده جمهوری اسلامی ایران است که موضوع خیانت در امانت و سوء استفاده از اختیارات و برداشت غیرقانونی از حساب امانی را مورد مطالعه قرار دهد. ممکن است این اعمال دارای وصف کیفری نباشد. این دیگر وظیفه نماینده جمهوری اسلامی ایران است که موضوع تعقیب کیفری داوران متخلف را مورد مطالعه و اقدام قرار دهد.

- ۵ -

من باردیگر توجه شمارا به احکام پرونده های شماره ۱۸۸ و ۲۲۰ جلب می کنم. من در این پرونده ها هیچگونه دخالت و حضور و نقشی نداشته ام. همه امور دونفره انجام شده است. این احکام "حکم دادگاه" نیستند بلکه تصمیم خودسرانه دودا ورمتخلف است.

آقای رئیس، این طبیعی است که خواهان در لوایح دادرسی سعی می کند که خواننده را غافلگیر نماید و یا به دروغ و جعل توسل جوید اما این غیرطبیعی است که اعضاء خود این دادگاه هم سعی کنند که خواننده را از حق دفاع محروم کنند. در ظرف مدتی اندک، به یک کشور در حال جنگ و انقلاب و نابسامانی، صدها و صدها پرونده ابلاغ شده است اما بالاتر از همه، این دیگر در تاریخ داوری بی سابقه است که اعضاء این دادگاه همکار ایرانی خود را تحت فشار غیرموجه قرار می دهند، مقررات را نقض می کنند و مطالب دروغ می نویسند. این دادگاه با این وصف مسلما "برای همیشه سیستم داوری را به فساد خواهد کشانید و به نظم اخلاقی و حقوقی کشور میزبان - هلند - لطمه وارد خواهد آورد. خواهشمندم منتظر نامه مفصلتری از جانب این جانب باشید.



دکتر شفیق شفیعی

۱۷ مرداد ۱۳۶۲

جناب آقای لاگرگرن

بدنبال نامه‌ای که در تاریخ ۵ اوت ۱۹۸۳ برای شما فرستادم، اکنون بطور مفصل علت غیبت خود را شرح می‌دهم. و فوراً "باید اضافه کنم علت غیبت من هر چه باشد، در هر صورت هیچ چیزی آقایان بله و آلدریج را مجاز به تشکیل دادگاه دونفره و مشاوره و صدور رای نمی‌نموده است. عمل آقایان تخلف و نقض آشکار بیانیه‌های الجزایر و مقررات دادگاه است."

۱- از همان آغاز کار این دادگاه متوجه شدیم که باور وزارت امور خارجه آمریکا و داوران آمریکایی این است که این دادگاه صرفاً "و منحصر" برای رسیدگی به صدها و صدها دادخواست خواهانهای آمریکایی تشکیل شده است و این پیشنهاد و وجود دارد که دولت جمهوری اسلامی ایران به این شرکتها قطعاً "بدهکار است و حساب‌امانی برای توزیع بین اتباع آمریکایی پیش‌بینی و تاسیس شده است. بنابراین بایستی هر چه زودتر به این دادخواست‌ها رسیدگی و سهم هر یک از اتباع آمریکایی از حساب‌امانی پرداخت شود. نهان و آشکار کوشش می‌شود که این دادگاه را به ماشینی برای صدور احکام محکومیت علیه ایران تبدیل نمایند، بویژه کوشش داوران آمریکایی پیوسته این بوده است که به دادگاه این احساس را بدهند که ایران و داوران ایرانی مانع رسیدگی و کار و سرعت عمل این دادگاه هستند. باید پذیرفت که داوران آمریکایی در این کوشش موفق شده‌اند. ظرف مدتی اندک، این دادگاه صدها پرونده برای پاسخ به ایران فرستاده و جلسه‌های مقدماتی و جلسه‌های رسیدگی تشکیل داده و کشوری را که در حال جنگ، انقلاب و نابسامانی‌های داخلی است، بطور غیرعادلانه تحت فشار قرار داده است. در برابر این کوشش و فشار غیرعادلانه، کوشش پی‌گیر ما داوران ایرانی فقط این است که از حق دفاع ایران حمایت کنیم. باور قلبی و صمیمانه ما این است که این حمایت

- ۲ -

کاملاً" موجه و عادلانه است. ما برخلاف شما اوضاع داخلی کشور خودمان را درک می کنیم. خوب می دانیم که تهیه این مدافعات و ترجمه آنها به زبان انگلیسی و حضور در دادگاه برای سازمانهای ایرانی مخصوصاً "در اوضاع و احوال کنونی کشور چقدر دشوار است. متأسفانه این دادگاه با ترکیب صدر صد غربی خویش نسبت به ایران و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اداری ایران بیگانه است، بنابراین نمی تواند و یانمی خواهد مشکلات ایران را درک کند. ما به کوشش خویش برای تضمین حق دفاع ایران ادامه می دهیم. اعتراف می کنیم که می خواهیم مانع آن شویم که این دادگاه تبدیل به یک claims commission داخلی وزارت امور خارجه آمریکا شود. البته هر دو دولت که این دادگاه را بوجود آورده اند، پیوسته می توانند ترتیب دیگری برای حل و فصل دعاوی بدهند ولی تا زمانیکه این محل دیوان داوری نام دارد، رسیدگی قضایی و تمامی ترتیبات لازم برای تضمین حق دفاع باید رعایت شود. از طرف دیگر باید به ایران فرصت داد تا مقداری از وقت و نیروی مادی خویش را صرف پرونده ها و دادخواست های خویش نماید.

متأسفانه کوشش ما در این دادگاه و بخصوص در شعبه دوم عقیم مانده است. نه اینکه فقط ایران تحت فشار قرار می گیرد بلکه این دادگاه داوران ایرانی را هم تحت فشار قرار می دهد. بنابراین با وضعی که پیش می رود، این دادگاه بطور کلی وصف قضایی و علمی خود را از دست خواهد داد و سرانجام به همان claims commission تبدیل خواهد شد.

آقای رئیس، شما مسلماً "با من هم عقیده هستید که تا چه اندازه برای این دادگاه و مخصوصاً "بار همه" داوران زیاد است. بار ما داوران ایرانی بعلاوه اشکالات زبانی دو صد چندان است. از هنگامیکه این دادگاه تشکیل شده است ما داوران ایرانی حداقل روزی ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار می کنیم. جمعه، شنبه و یکشنبه، همه وقت تا پاسی از شب در دادگاه مشغول کار و مطالعه این پرونده ها هستیم. در این شرایط من بطور کاملاً "موجه به خود اجازه می دادم که یکماه از مرخصی تابستانی

- ۳ -

استفاده کنم. این یک امر غیر عادی و غیر طبیعی نیست، قبلاً هم همین کار را آقای جرج آلدریج نموده بود. هنگامیکه آقای جرج آلدریج اعلام نمود که قصد استفاده از مرخصی را دارد، مساله کاملاً عادی و طبیعی بنظر رسید اما هنگامیکه اینجانب اعلام نمودم، آقای بله اظهار داشت که من *disparaître* شده‌ام و اعلام *surprise* کرد.

گزارش شروع این امر چنین است :

هیئت عمومی در نشست هفتگی دودوم خویش مساله تعطیلات تابستانی دادگاه را مورد بررسی قرار داد. تعطیلات تابستانی را به مدت ۵ هفته از ۱۱ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه تعیین نمود ولی عملاً این تعطیلات تا آخر ژوئیه بلکه تا دهه اول اوت تعیین شد. هیچکس از شعب در این مدت جلسه مقدماتی یا رسیدگی (*prehearing* یا *hearing*) و یا حتی *chamber meeting* پیش‌بینی ننموده‌اند. آقای جرج آلدریج تعطیلات خویش را از ۲۷ مه تا پایان ماه ژوئن اعلام نمود. این موضوع با هیچ اعتراض و مخالفتی روبرو نشد. این امری کاملاً طبیعی است. داوران آمریکا و ایران که کارمندان موظف وزارت امور خارجه آمریکا و یا ایران نیستند، به داور که نباید تحمیل نمود و بالاتر از همه مرخصی حقی طبیعی و مشروع است. همه کارگران و حتی کارمندان این دادگاه هم از آن بهره‌مند می‌شوند. اینجانب در غیاب آقای آلدریج و تقریباً تا ۲۳ ماه ژوئن به همکاری خود با شعبه ادامه دادم. در این مدت مسائل صرفاً اداری و فوری دادگاه (مانند *Extentions*) مورد اتخاذ تصمیم قرار گرفت. هرچند که در این زمینه از رضایت ضمنی آقای آلدریج اطمینان داشتیم، معذالک از بررسی و اتخاذ تصمیم مسائل مهم که آقای آلدریج نسبت به آنها نظر خاصی داشتند، خودداری می‌شد و من مخصوصاً "خودم اصرار داشتم که درباره این مسائل باید با حضور آقای آلدریج گفتگو شود.

من تصمیم داشتم که در ماه ژوئیه چند هفته‌ای استراحت کنم. این مساله مخصوصاً با توجه به شرایط جوی و ماه رمضان و خستگی شدید ناشی از کار کشنده

- ۴ -

این دادگاه کاملاً ضرورت داشت . فکرمی کنم برای آخرین بار با آقای بله در تاریخ ۲۳ ژوئن در Chamber meeting شرکت کردم و در همین جلسه صراحتاً "به ایشان گفتم و توضیح دادم که از نظر جسمی برای من استفاده از مرخصی ضرورت دارد . هیچ شک و ابهامی وجود نداشت . فوراً "به نظرم رسید که باید مراتب را کتبا "هم اعلام کنم . باین شیوه اساساً "مخالف هستم ، نباید روابط داوران یک دادگاه آنقدر مادی و غیر انسانی باشد که در موارد این چنینی برای هم اظهاریه بفرستند اما متأسفانه این شیوه راهم در این دادگاه خود شخص آقای بله برقرار کرده بودند . من هم برخلاف میل و اعتقاد باطنی خویش از آن پیروی کردم . متن نامه چنین است :

Monsieur le président

Nous avons continué à travailler pendant le mois de juin pour régler les problèmes administratifs de notre Chambre, bien que la période du 10 juin au 30 juillet corresponde à celle de vacances du Tribunal et les autres Chambres ne fonctionnent pas. Etant fortement épuisé du travail de ce Tribunal, je dois profiter de quelques semaines de vacances qui me restent d'ici fin juillet. Je vous prie de bien vouloir ne pas tenir, Chamber meeting en mon absence. Je vous prie d'autre part d'agréer, monsieur le président, l'expression de mes sentiments distingués.

Dr. S. Shafiee

- ۵ -

ملاحظه می کنید که من با کمال صداقت و حقیقت موضوع را آشکارا و بدون ابهام به آقای بله اعلام کرده ام و تا آخر ماه ژوئن هم در دادگاه بودم، آقای بله هیچ گفتگویی با من نکردند، فقط روز ۲۹ ژوئن متوجه شدم که ایشان نامه ای رسمی برای من نوشته و آن را با کمال نامهربانی برای تسلیم به این جانب، به گارد سپرده است. متن نامه چنین است :

Cher Monsieur et ami,

Miss Everard m'a remis lundi 27 juin votre mot daté du 23 juin 1983 qui m'a beaucoup surpris.

Vous m'aviez dit que vous désiriez vous reposer pendant la semaine du 27 juin au 3 juillet, et bien que cela me gênât beaucoup, j'en ai pris note.

Mais il n'a jamais été question que vous partiez jusqu'à fin juillet et je suis très étonné que vous ne m'en ayez pas parlé alors.

Vous savez depuis l'ordonnance présidentielle du 15 juin 1983 que la chambre II est "de garde" jusqu'au 31 juillet 1983.

Vous savez, depuis plusieurs mois, que je dois quitter ce Tribunal le 31 juillet, et que plusieurs affaires en délibéré devant nous doivent être résolues avant cette date.

Vous ne pouvez pas irrégulièrement vous absenter, et je vous invite à revenir dès le 5 juillet après les quelques jours de repos que vous aurez pris.

Bien à vous. Mr. Bellet

- ۶ -

متوجه شدم که مفاد نامه با واقعیات انطباقی ندارد. من در گفتگویی که با ایشان روز ۲۳ ژوئن داشتم به صراحت قصد خویش را مبنی بر استفاده از مرخصی در چند هفته، ماه ژوئیه اعلام داشته بودم، هیچ ابهامی وجود نداشت و هرگز مساله چند روزی یک هفته مرخصی و غیبت مطرح نبود، بنا بر این از اظهارات خلاف واقع آقای بله در این نامه بشدت متاسف شدم، کوشش کردم که با ایشان تلفنی تماس بگیرم. فکرمی کنم در آخرین روزهای ژوئن ایشان در اسپانیا بودند لذا موفق به گفتگوی تلفنی نشدم. چون اظهاراتی خلاف واقع در نامه خویش کرده بودند، الزاما "بایستی پاسخ می دادم. نامه مورخه اول ژوئیه ۱۹۸۳ اینجانب به شرح زیر است :

Monsieur le Président

Votre lettre du 29 juin 1983, qui m'a été adressés, contient certaines affirmations qui ne correspondent pas à la réalité. J'ai constaté, mais avec un grand regret, que même certaines ordonnances que vous rendez au nom du Tribunal, contiennent parfois des déclarations inexactes.

En effet, la période de vacances du Tribunal a été fixée du 10 juin jusqu'au 30 juillet. Monsieur Aldrich notre collègue américain s'est réservé d'un mois de vacances du 27 mai au 27 juin, période pendant laquelle j'ai continué à travailler pour régler les problèmes administratifs et urgents de notre Chamber. Pour ma part, contrairement à ce que vous déclarez dans votre lettre du 29 juin 1983, je vous ai explicitement exprimé ma décision de prendre mes vacances au mois de juillet 1983.

Certes je sais depuis fort longtemps que votre mission prend fin le 31 juillet mais cela ne peut me

- ۷ -

priver de mes vacances annuelles. Rien, d'autre part, ne nous oblige à décider, au cour d'une délibération accélérée et anormale, toutes les affaires pendant dont certaines sont très volumineuses et compliquées.

Vous faites aussi allusion à l'ordonnance présidentielle du 15 juin 1983, à laquelle vous n'attachez au départ aucune importance, je dois à cet égard souligner que cette ordonnance, à l'occasion de laquelle monsieur Président ne m'a nullement consulté, vise uniquement des cas très urgents, comme "Les mesures provisoires" ou les "Settlements" qui sont par ailleurs très rares. Monsieur Président Lagergren aussi au cours d'une conversation téléphonique m'a indiqué que son ordonnance vise les cas exceptionnels et dans la mesure où je suis présent. Il est souvent arrivé, dans le passé que vous décidiez seul mais au nom du Tribunal, sur les problèmes administratifs de la Chamber, ce qui n'est pas autorisé par le règlement du Tribunal. Il me semble donc nécessaire d'indiquer que vous ne devez pas irrégulièrement tenir the Chamber meeting pendant la période des vacances du Tribunal et en mon absence.

Je vous prie d'agréer, monsieur le Président, l'expression de mes sentiments distingués.

Dr. Shafei Shafeiei

- ۸ -

این آخرین مکاتبه ماست. قبل از عزیمت به مرخصی، شاید در آخرین روز ماه ژوئن، موفق شدم که با ایشان تلفنی برای خدا حافظی مذاکره کنم. متأسفانه لحن ایشان در تلفن بسیار سرد و اندکی هم قانونی و آمرانه بود، چیزی که قبول آن برای من بسیار دشوار است. با آقای آلد ریچ نیز قبل از عزیمت به مرخصی دیدار و گفتگو کردم. صریحا "یادآور شدم که عازم مرخصی هستم و مخصوصا" با ایشان درباره پرونده‌های موجود صحبت کردم. اظهار داشت که ۴ پرونده در دست رسیدگی و شورداریم. سه پرونده الزاما "نیاز به تجدید جلسه دارد، در یکی از آنها باید حتما" رای صادر شود و اینکار را در هفته اول ماه اوت با حضور داور جدید حتما" انجام می‌دهیم و حتما" در این زمینه به توافق خواهیم رسید. آقای رئیس، با این اوصاف ملاحظه می‌فرمایید که کلمات "disparaitre" و "surprise" که از طرف آقای بله در غیاب اینجانب عنوان و شایع شده است چقدر غیرموجه و غیرعادلانه است. آقای بله در زبردان نامه می‌نویسد:

"Nevertheless after a further exchange of notes,
Mr. Shafeiei has absented himself..."

من از این واژه‌ها هیچ نگران نیستم، آقایان بله و آلد ریچ حق دارند هرطور خواستند نسبت به همکار خویش صحبت کرده و حتی توهین نمایند اما چرا این آقایان بعنوان داوران بین‌المللی دروغ می‌گویند؟ از این امر نگرانم. بیان مطلب دیگری نیز ضروری است. به جهات بسیاری که نیاز به شرح آنها نیست، دولت جمهوری اسلامی ایران علاقمند بوده که در پرونده شماره ۲۸۰ هر چه زودتر جلسه رسیدگی تعیین شود. این مساله برای ایران واقعا "فوریت و ضرورت داشت. چندین روز در اوائل و اواسط و اواخر ماه ژوئیه پیشنهاد شد شاید چند روز در این زمینه آقای کاشان نماینده جمهوری اسلامی ایران به من اصرار می‌کرد. من هیچ تاریخی را در ماه ژوئیه نپذیرفتم و صریحا "علام کردم که در ماه ژوئیه در مرخصی خواهم بود. آقای بله در جریان کامل این امر قرار داشت و خود ایشان تاریخ ۱۳ اوت را برای رسیدگی نهایی پرونده شماره ۲۸۰ تعیین نمود، بنابراین اظهار رئیس

- ۹ -

سابق دیوان عالی کشور فرانسه به این که من ابتدا یک هفته اعلام مرخصی نموده و سپس ناگهانی و بطور surprise غایب شده‌ام، دروغ محض است. نمیدانم آیا توانسته‌ام شما را قانع کرده باشم یا خیر. اما حداقل در این دنیای مادی خود آقای بله و من می دانیم که اظهار ایشان دروغ است. همچنین نمی دانم کس مقصود آقای بله از further exchange of notes... چیست؟ نامه مورخه اول ژوئیه آخرین مکاتبه ماست.

در تاریخ ۱۳ ژوئیه یک روز قبل از امضاء دادنامه پرونده شماره ۴۴۹ آقای بله با علم و اطلاع اینکه اینجانب در مرخصی هستم، نامه‌ای برای اینجانب فرستاده‌اند، اصلاً این نامه بدست من نرسیده است ولی فتوکپی نامه را به آقای خشایار دستیار حقوقی اینجانب داده‌اند که هم‌اکنون مقابل من قرار دارد. متن آن چنین است :

Le 13 juillet 1983

Cher Monsieur et ami

J'ai regretté de ne point vous voir ces jours-ci
J'ai consulté les minutes du Tribunal. Il résulte du procès-verbal du 72 meeting, que des vacances n'ont été prévues que jusqu'au 17 juillet 1983, mais pas après cette date.

Mr. Aldrich nous a prévenus il y a plusieurs mois, sans aucune contestation de quique ce soit, qu'il partirait de la fin mai à la fin juin.

Il a été alors entendu entre nous trois, que nous discuterions des affaires encore pendantes, dès son retour, et vous avez même insisté à ce moment, pour qu'on reporte à juillet 1983, la délibération de l'affaire I.T.T., depuis résolue.

J'ai donc été très surpris, d'abord quand, subitement, vous avez demandé une première semaine de repos, du 27 juin au 4 juillet, puis quand vous m'avez informé,

- ۱۰ -

par lettre du 23 juin, que vous partiez pour plus longtemps, pendant un nombre indéterminé de jours.

Il fallait nous en aviser bien plus à l'avance, pour que je puisse prendre, en qualité de président de la 2e. Chambre, les dispositions nécessaires à la solution des affaires en suspens, avant mon départ de ce Tribunal.

Aussi bien, le Président de ce Tribunal a signé le 15 juin 1983, une ordonnance qui sous-entend que nous soyons toujours disponibles, en juillet 1983. Je vous demande donc amicalement mais très fermement, d'assister jusqu'à fin juillet, à toutes nos réunions, pour délibérer avec nous, notamment des affaires INTREND, GRUEN, HOFFMAN et CHAS T. MAIN, et procéder ensuite à la signature des sentences.

Si vous ne venez pas, force serait pour M. Aldrich et moi, de procéder, sans vous.

Je vous remercie à l'avance.

Très fidèlement vôtre.

P. Bellet.

چند نکته در این نامه قابل توجه است: آقای بله ظاهراً "برای اولین بار پس از مطالعه هفتاد و دومین صورتجلسه دادگاه تازه متوجه ایام مرخصی دادگاه می شوند!

من می پذیرم که آقای بله علاقمند بودند و شاید برداشت ضمنی ایشان هم این بود که من از مرخصی خویش چشم پوشیده و حتی در ماه رمضان و ژوئیه هم به کار کشنده و طاقت فرسای خویش در این دادگاه با ایشان ادامه دهم، اما من اجباری نداشتم، تعهدی نداده بودم و حتی قول اخلاقی نیز نسپرده بودم که از مرخصی خویش صرف نظر کنم. آقای جرج آلدریچ هم از مرخصی خود صرف نظر نکرد و حتی تاریخ مرخصی خود را هم دو هفته زودتر از تاریخی که دادگاه کل معین کرده بود، تعیین نمود.

- ۱۱ -

متاسفانه مجدداً "در این نامه آقای بله کلمات "surprise" و "subitement" را ذکر می کند. من نیاز به توضیح بیشتر در این زمینه ندارم، این اظهارات خلاف واقع هستند. در مورد پرونده I.T.T. که آقای بله به آن اشاره می کند واقعیت مطلب چیز دیگری است. در ماههای آوریل و مه چندین پرونده، من جمله پرونده INTREND و I.T.T. آماده شور بود. پرونده INTREND تقریباً ساده و متعلق به یک شرکت غیرمتنفذ آمریکایی بود. آنچه که من اصرار داشتم این بود که این پرونده ابتدا مورد شور و اتخاذ تصمیم قرار گیرد. آقای بله هم با این نظر موافق بود اما پرونده I.T.T. مربوط به یک شرکت متنفذ آمریکایی بود که دادگاه را سخت تحت فشار قرارداد و متاسفانه آقای بله تسلیم شد و کار این پرونده با شتاب به پایان رسید.

آقای بله همچنین به دستور مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ شما اشاره نموده و اظهار می دارد که برداشت و (understanding) آقای رئیس از این دستور این بوده است که شعبه دوم در ماه ژوئیه آماده به کار است. بعد از این دستور من با شما تلفنی گفتگو کردم و از شما گله کردم که چرا در صورت این دستور با من قبلاً مشاوری ننموده اید و به شما اعلام کردم که عازم مرخصی و مسافرت به لهستان هستم. شما اظهار داشتید که این دستور ناظر به موارد کاملاً استثنائی و به شرطی است که من در لاهه حضور داشته باشم. بعد از این گفتگوی تلفنی من فوراً "رونوشت نامه مسوورخ بیست و سوم ژوئن خود را که برای آقای بله فرستاده و در آن قصد خویش را برای استفاده از مرخصی در ماه ژوئیه اعلام کرده بودم، وسیله دبیرکل دادگاه برای شما ارسال داشتم. تذکر به این نکته نیز کمال ضرورت را دارد که هیچ اجباری برای آقای بله و شعبه دوم وجود نداشت که تمام پرونده های را که آقای بله در جلسه نهایی آنها شرکت کرده بودند، قبل از پایان ما موریت ایشان مورد رسیدگی و شورشهایی قرار دهد. بخاطر دارید که بعد از استعفای آقای بله مساله تعیین تاریخ قطعی استعفای ایشان مطرح شد، بعلاوه دوران آمریکایی اصرار داشتند که به ایشان صلاحیت و اختیار اعطاء شود که

- ۱۲ -

بتوانند به تمامی پرونده‌هایی که در جلسه مقدماتی و یا رسیدگی آنها شرکت داشته‌اند، رسیدگی کنند و این مساله مورد موافقت قرار نگرفت و خاتمه کار ایشان در پایان ژوئیه ۱۹۸۳ اعلام شد. از طرف دیگر در صورت اگر من در ماه ژوئیه هم در دادگاه حاضر بودم، برایم امکان نداشت که ظرف یکماه ۴ پرونده را که واقعا "بعضی از آنها بسیار مشکل و پر حجم هستند، مورد رسیدگی و شور قرار دهم و نمی دانم چگونه آقایان آلدریچ و بله موفق شده‌اند ظرف ۴ هفته ایی پرونده‌ها را مورد مطالعه و شور قرار دهند. در پایان نامه مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۳ آقای بله صراحتاً اظهار می دارند که:

"Si vous ne venez pas, force serait pour Mr. Aldrich et moi, de procéder sans vous..."

هر دو داور همین کار را هم کرده‌اند، چندین پرونده را در یک دادگاه دونفره و در غیاب اینجانب مورد رسیدگی، شور و اتخاذ تصمیم و امضاء قرار داده‌اند من آرزو مند بودم که با همین شهادت در زیر نامه‌ها صراحتاً اعلام می کردند که این دادنامه‌ها، دونفره و بدون حضور اینجانب تهیه و امضاء شده است اما متأسفانه بعلمت فقدان شهادت اخلاقی از اعلام واقعیت خودداری نموده، نام اینجانب را در زیر دادنامه‌ها نوشته و مطالبی برخلاف واقع اعلام نموده‌اند.

ظاهراً "چند نامه دیگر هم آقای بله خطاب به اینجانب نوشته و آنها را به گارد می دهند، برخی از آنها را هم به دفتر اینجانب می سپارند. این نامه‌ها و پاکت‌ها ظاهراً همان نامه‌ها و پیش‌نویس احکامی است که آقای بله بدان‌ها اشاره می کنند. آقای خشایار، دستیار حقوقی، کوشش می نماید که به آقای بله اطمینان بدهد که این نامه تا کنون بدست اینجانب نرسیده است، بدین منظور در تاریخ ۱۸ ژوئیه نامه زیر را به آقای بله می نگارد:

- ۱۳ -

To : Judge Bellet
 From: K. Khashayar
 Date: 18 July 1983

Having regard to the fact that you were formally and explicitly informed by Mr. Shafeiei that he would be on annual leave during the Tribunal's summer recess in July 1983, and considering that you are well aware of the fact that Mr. Shafeiei's absence will last until the end of July 1983, there is no point in sending to Mr. Shafeiei's office or the Guard letters and draft awards which are addressed to him. Please find all these unopened materials enclosed with this letter.

cc. Mr. Aldrich
 cc. Mr. Pinto, Secretary - General

این نامه طبعاً "بایستی آقای بله راقانع می کرد که نامه هایی که وسیله کاردبرای اینجانب فرستاده اند، همه سر بسته اند و بدست اینجانب نرسیده اند، معذالک ملاحظه می کنند که باز هم آقای بله و آقای آلد ریچ در زیر دادنامه اعلام می نمایند:

The Chairman has had all the successive drafts of this award since Mr. Shafeiei's departure deposited in his office in due time so that, if he had been present, he could have read and commented upon them, but no comments have been received.

مخصوصاً " جالب توجه است که با وجود اعلام این مراتب از طرف آقای خشیار در تاریخ ۱۸ ژوئیه، باز هم آقای بله در دادنامه اضافه نموده است:

- ۱۴ -

The Chairman also deposited in Mr. Shafeiei's office on 20 July 1983 a letter informing him of the place and time of signature. Mr. Shafeiei failed to attend the signing.

من دیگر نمی دانم چرا و چگونه آقای بله با زهم نامهای به دفتر اینجانب سپرده اند. من روز ۲۰ ژوئیه در برلن و روز ۲۷ ژوئیه که آراء امضاء شده است در ورشو اقامت داشتم.

از سوی دیگر امضاء رای یسک داور در زیر دادنامه میان شرکت و حضور وی در ساخت دادنامه یعنی در تشکیل دادگاه، مشاوره و بحث های کاملاً آزاد و دمکراتیک، اتخاذ تصمیم، تهیه پیش نویس و سرانجام تهیه متن قطعی دادنامه است. من که هیچگونه شرکت و نقشی بهیچ عنوان نداشته ام، چه لزومی به دعوت اینجانب آنهم بدینگونه برای امضاء رای بوده است. بنابراین ملاحظه می فرمایید که مطالبی که از طرف آقایان بله و آلدریچ در زیر دادنامه و در زیر نام اینجانب نوشته شده است، از هرگونه حقیقت و صمیمیت تهی است و این همان چیزی است که من آنرا جعل واقعیات، دروغ و ریاضی نامم، متاسفم که داوران بین المللی اینگونه عمل می کنند، اما خوشحالم زیرا این واقعیات می توانند ماهیت و فرهنگ حقوقی این دادگاه و بویژه شعبه ۲ را آشکار کند. با خود می اندیشم آیا فرهنگ این دادگاه در واقع جزئی از فرهنگ سیستم داورى نیست؟

۲- عزیمت من برای مرخصی سالیانه کاملاً موجه و طبیعی بود، آنچه غیرطبیعی است درخواست آقای بله بود که انتظار داشتند که من پس از یکسال کار کشنده و طاقت فرسا، ماه ژوئیه را صرف کار دادگاه کنم. فرض کنیم که همانگونه که آقای بله عقیده دارند، از چند ماه پیش تفاهم چنین شده بود که من در ماه ژوئیه در دادگاه به کار خویش ادامه دهم، در هر صورت با شرایطی فیزیکی و حالت خستگی شدیدی که برایم پیش آمده بود، امکان کار در ماه ژوئیه برایم وجود نداشت اما با زهم می توان فرض

نمود که من اجبار قانونی داشتم که در ماه ژوئیه در دادگاه خدمت کنم و برخلاف این اجبار از انجام وظیفه خودداری نموده و همانگونه که آقای بله اظهار می دارند ناگهانی و بطور "surprise" غائب شدم "absented myself" و هیچ نشانه و شماره تلفن و آدرسی هم از خویش باقی نگذاشتم، در این صورت تکلیف دو داور بیطرف دیگر چیست؟ خیلی روشن و ساده بند ۲ ماده ۱۳ قواعد دادگاه این وضعیت را بدین شرح پیش بینی نموده است:

۲- هرگاه داورى به وظایف خود عمل نکند یا انجام وظیفه برای او قانوناً و یا عملاً غیر ممکن باشد، روبه مربوط به اعتراض به صلاحیت و تعویض داور به نحو مقرر در مواد پیشین مجرى خواهد بود.

آنچه مسلم و قطعی است، طبق بند ۱ ماده ۳ بیانیه حل و فصل دعاوی، هر یک از شعبای دادگاه با پداز سه نفر داور به ترتیب مذکور در این ماده تشکیل شود. هیئت عمومی در پانزدهمین نشست خویش چنین تصویب نمود:

"If the Plenary Tribunal found it necessary to vote on any administrative issue in the absence of a member appointed by a High contracting party, one of the members appointed by the other High contracting Party (chosen by consultation among themselves) should not take part in the vote,..." (see paragraph 3 and 4)

این تصمیم ناظر به هیئت عمومی و مربوط به مسائل داورى و فوری است و اجرای آن نیز منوط به شرایط خاصی است. شعب دادگاه در هیچ صورتی نمی تواند بدون حضور هر دو داور انتصابی دولت تشکیل جلسه دهند. بنا بر این تشکیل جلسا تقضایی، شور، رای گیری، امضاء رای شعبه دوم بدون حضور اینجانب کاملاً غیر قانونی بوده است. عمل آقایان بله و آلدریچ نقض آشکار و آگاهانه بیانیه های الجزیره و مقررات دادگاه است.

این دادگاه همان حین اجرای مقررات بیانیه های الجزایر از طرف دولت و اصحاب دعوی است اما هنگامیکه خود قضات این دادگاه مقررات و بیانیه های الجزایر را نقض می کنند، دیگر چه تضمینی برای اجرای بیانیه های الجزایر وجود دارد؟ جالب توجه است که یکی از پیرونده های این دادگاه، پرونده تخلفات دولت ایالات متحده آمریکا از مقررات بیانیه های الجزایر است. این پرونده تخلفات

- ۱۶ -

بایستی وسیله قضاات این دادگاه رسیدگی شود. اکنون این پرسش پیش می آید آیا خود این قضاات متخلف صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارند و آیا دولت ایران می تواند چشم داشت یک رسیدگی عادلانه را داشته باشد؟

۳ - بررسی اجمالی نیز از آرائی که درغیا با اینجانب صادر شده است، مناسب بنظر می رسد.

الف- پرونده ۴۴۹- این پرونده مربوط به شعبه ۳ دیوان داورى است. در تاریخ ۸ ژوئیه طرفین دعوی صلح نامه ای تنظیم و به دادگاه تقدیم می دارند. در این صلح نامه قید شده است که:

The fiscal year of National Airmotive Corporation ("NAC") ends on July 31. This circumstance makes it highly desirable for NAC to receive payment under the award requested before July 31, 1983.

For the reasons stated above, the parties request the Tribunal to - if at all possible - issue an award on agreed terms based on the settlement agreement with amendatory addendum in time for NAC to receive payment out of the security account before July 31, 1983.

این صلح نامه فوریتی ندارد، البته کمال مطلوب است که این صلح نامه تا قبل از ۳۱ ژوئن به حکم تبدیل شده و وجه آن پرداخت گردد ولی عدم انجام آن موجب خسارت غیر قابل جبرانی نخواهد شد. در هر صورت این را آقای بلد urgent و از شمول دستور رئیس دادگاه تلقی نموده اند. دوفره جلسه دادگاه تشکیل داده و در دادنامه می نویسند:

Chamber Two has determined that it may act in the matter in lieu of Chamber Three pursuant to the authority

- ۱۷ -

accorded by Presidential Orders Nos. 9 and 10.

The Tribunal has satisfied itself that it has jurisdiction in the case and finds that an Award on Agreed Terms may be issued upon the submissions before it, in accordance with Article 34 of the Tribunal Rules and the standards applicable thereto.

این سوال بی پاسخ می ماند که "Chamber Two" و یا "Tribunal" درغیاب داد و رسوم چه مفهومی دارد؟ دادگاه یا Chamber Two برابر با بیانیه های الجزایر که این دادگاه را تاسیس کرده، باید از سه نفر قاضی تشکیل شود و ۲ نفر قاضی "Chamber Two" و یا "Tribunal" نیست. در هر صورت پس از انشاء پیش نویس دادنامه در تاریخ ۱۳ ژوئیه نامه ای جهت اینجانب نوشته و رونوشت آنرا برای آقای خشایار ارسال می دارند و به موجب آن نامه مرا برای امضای حکم در روز ۱۴ ژوئیه دعوت می نمایند چون برای آقای خشایار امکان ارسال این نامه به اینجانب وجود نداشته است، بنابراین فوراً "به آقای بله مراتب را به شرح زیر اطلاع می دهد:

13 July 1983

To: Judge Bellet
From: K.Khashayar

I am in receipt of the copies of your two letters dated July 13, 1983, addressed to Mr. Shafeieei. I would like to bring to your attention that because of the Tribunal's summer recess Mr. Shafeieei is on his vacation, and for the time being there is no way for me to reach him.

Therefore I am sorry that no action can be taken on my part in this respect.

در هر صورت فردای آن روز آقایان بله و آدریچ بی اعتنا به این موضوع در دادگاه ۲ نفری حکم را امضاء نمودند. نام مرا هم قید و زیر آن اظهار می دارند:

- ۱۸ -

Having been notified to be available to participate in Chamber deliberations and proceedings during the period from 6 July to 31 July 1983, Mr. Shafeiei has absented himself and has failed to inform the Chamber of any address or telephone number where he can be reached. The Chairman of the Chamber has delivered to Mr. Shafeiei's office on 13 July a letter enclosing the draft award, informing Mr. Shafeiei of the place and time of signature and inviting him to attend. Mr. Shafeiei failed to attend the signing.

من در این دادنامه هیچگونه نقش، شرکت و حضوری نداشته‌ام.

ب- پرونده ۸۳- پرونده مربوط به خود شعبه دوم است. صلح نامه‌ای از طرفین دعوی تنظیم و در تاریخ ۳۰ ژوئن ۸۳ در دادگاه ثبت شده است و در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ حکمی از یک دادگاه دوفزری صادر شده است.

ج- پرونده ۱۸۸- جلسه رسیدگی نهایی این پرونده در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۸۳ تشکیل شد. این درست روز قبل از عزیمت آقای آلد ریچ به مرخصی است. از تاریخ ۲۷ مه تا پایان ژوئن آقای جرج آلد ریچ در مرخصی و غائب بوده اند (اعم از موجه یا غیرموجه) در سر تا سر ماه ژوئیه هم اینجانب در مرخصی و غائب بوده‌ام (اعم از موجه یا غیرموجه) و همانطوریکه آقای بله اظهار می دارند هیچ نشانی و تلفنی هم از اینجانب در اختیار نداشته اند. طبعاً "اینجانب هیچگونه نقش و حضور و دخالتی در تشکیل جلسه مشاوره، بحث، اتخاذ تصمیم، تهیه پیش نویس حکم و تهیه دادنامه قطعی و امضاء آن نداشته‌ام. همه چیز مطلقاً در غیاب اینجانب و بدون اطلاع اینجانب و در جلسه ۲ نفری برخلاف بیانیتهای الجزایر و مقررات دادگاه انجام شده است. کلمه "Tribunal" که در این دادنامه بکار رفته است، عاری از معنی و حقیقت است مثلاً" در صفحه ۲۱ دادنامه نوشته شده است:

"The Tribunal awards as follows:

The Respondent Iran Housing Company is obligated to pay the Claimant, Gruen Associates, Inc., U.S. \$500,000, which obligation shall be satisfied by payment out of the Security Account established by paragraph 7 of the Declaration of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria of 19 January 1981."

این "Tribunal" به مفهوم و معنای بیانیه‌های الجزایر و مقررات دادگاه نیست، این در واقع و نفس امر، تصمیم شخصی آقایان بله و آلدریج است. دونفر آقایان بطور خصوصی از آقای لاگرگن ریاست دادگاه درخواست می‌کنند که مبلغ پانصد هزار دلار از صندوق ملت ایران برای یک شرکت آمریکایی فرستاده شود. در این دادنامه همچنین در زیر نام اینجانب نوشته شده است: "بعد از برگزاری جلسه استماع این پرونده در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۸۳ (۵ خرداد ۱۳۶۲) سه داور شعبه موافقت کردند که واخرماه ژوئن جلسات شور و مذاکره را شروع کنند". این ادعا واقعا دروغ است، جلسه رسیدگی این پرونده در آخرین روز قبل از عزیمت آقای آلدریج به مرخصی تشکیل شد و درست به خاطر دارم که جلسه رسیدگی حتی بعد از ظهر تشکیل شد و شاید تا ساعت ۷ ادا می‌یافت و آقای آلدریج کاملاً شتاب داشت. در ضمن جلسه رسیدگی ضرورت احساس شد که با پیدا ز طرفین درخواست ثبت لوائح و توضیحات بیشتری شود. در این زمینه در حین جلسه رسیدگی، مشاوره و اتخاذ تصمیم بعمل آمد. بنا بر این پس از جلسه رسیدگی جلسه خاصی تشکیل نشد و تصمیمی اتخاذ نگردید که مشاوره این پرونده در واخرماه ژوئن آغاز شود.

د - پرونده ۲۲۰ - این پرونده مشاوره پرونده بالا است. در زیر نام اینجانب، آقایان بله و آلدریج نوشته اند که: "شورهای مربوط به این پرونده اندکی پس از جلسه استماع در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۸۳ شروع شد. در این شورها که تا پایان مه طول کشید، هر سه نفر داور به طور کامل شرکت داشتند". این مطلب به این گونه درست نیست. همانگونه که من قبلاً بیان کردم، قرار بود و من مخصوصاً "اصرار داشتم که شور این پرونده آغاز شود. هرکدام از داوران مشغول مطالعه و بررسی نکات مورد بحث شدیم و مقدمات آغاز شور هم داشت فراهم میشد اما متأسفانه شور این پرونده انجام نشد زیرا همانگونه که قبلاً اظهار داشتم پرونده شماره ۱۵۶ که مربوط به یک شرکت متنفذ آمریکایی بود، جای این پرونده را گرفت. در هر صورت نامه مورخ ۱۳ ژوئیه آقای بله کاملاً حاکی است که در این پرونده شوری انجام نگرفته بود و شورهای مربوط به این پرونده همه در ماه ژوئیه در دادگاه دونفری انجام شده است. من در هر صورت هیچ نقش و حضور و دخالتی در تشکیل جلسه مشاوره، بحث و گفتگو، اتخاذ تصمیم، تهیه پیش نویس حکم و تهیه دادنامه

- ۲۰ -

قطعی و امضاء آن نداشته‌ام. همه چیز مطلقاً "درغیاب اینجانب و بدون اطلاع اینجانب در یک جلسه دوفره برخلاف بیانیه‌های الجزایر و مقررات دادگاه انجام شده است. کلمه "Tribunal" که در این دادنامه بکار رفته است، عاری از معنی و حقیقت است، مثلاً در صفحه ۱۴ نوشته شده است:

AWARD

The Tribunal awards as follows:

The Respondent, The IRANIAN AIR FORCE, is obligated to pay the Claimant, INTREND INTERNATIONAL, INC. the following amounts:

U.S. \$ 83,304.27, plus interest at the rate of 12% from 15 September 1977 to the date on which the Escrow Agent instructs the Depository Bank to pay the Award; and

U.S. \$ 124,959.24, plus interest at the rate of 12% from 14 September 1978 to the date on which the Escrow Agent instructs the Depository Bank to pay the Award,

این "Award" و "Tribunal" به معنای بیانیه‌های الجزایر و مقررات دادگاه نیست، زیرا طبق بیانیه‌های الجزایر، "Tribunal" یعنی شعبه دادگاه که از سه نفر قاضی تشکیل می‌شود. آقایان بله و آلدریج در یک نامه خصوصی از آقای لاگرگرن درخواست می‌کنند که مبلغ معینی از صندوق ملت ایران برای یک شرکت آمریکایی حواله نماید.

آقای رئیس، آقایان بله و آلدریج هنگام صدور و امضاء این آراء فراموش کرده‌اند که این آراء و این رفتار در تاریخ ثبت خواهد شد و بویژه مورد قضاوت ملل جهان سوم قرار خواهد گرفت.

آقای بله در تاریخ ۱ دسامبر ۱۹۸۲ استعفای خویش را اعلام نمود و در آن اعلام

داشت که:

- ۲۱ -

My efforts are becoming pointless, and, at the end of my moral and physical tether, I consider that I cannot continue, at the risk of endangering my health and my family life.

اما داوران آمريکايى ايشان را مجبور کردند که تا آخر ماه ژوئيه به انجام خدمت خود ادامه دهد. از سوى ديگر شايد در نامه‌اى ديگر به شما شرح دهم که آقاى بله با ايران رفتارى بسيار بسيار خصمانه داشت. اين امور سرانجام ايشان را به انجام رفتارهاى غيرطبيعى واداشته است.

آقاى رئيس، شما بعنوان امين و مسئول پرداخت احکام اين دادگاه از اموال بيگ ملت مظلوم تعيين شده ايد. چنين اختياراتى تحت شرايط و اوضاع و احوال خاصى به شما تفويض گردیده است. اکنون که به شما اعتماده شده را مبنى قرار گرفته ايد، دولت ايران نبايد بيش از اين قربانى اين اعتماده باشد. به شما اختيار دستور پرداخت احکام اين دادگاه داده شده است اما احکامى قابل پرداخت هستند که حداقل بطور prima facie بر اساس احترام به قانون و بيانيه‌هاى الجزاير صادر شده باشند. وصف غيرقانونى بودن اين احکام کاملاً آشکار است. قبل از امضاء اندکى بينديشيد، در استفاده از اختيارات خود جانب حق را نگاه داريد و به قضاوت تاريخ و ملل جهان سوم بنگريد.

با احترام - دکتر شفيع شفيعى

پیوست های نامه مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۷ آقای دکتر شفیعی به
آقای لاگرگرن

۲۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲ تیرماه ۱۳۶۲)

به : آقای بله

از : دکتر شفیعی

آقای رئیس

بمنظور حل مسائل اداری این شعبه تمامی ماه ژوئن را کار کرده ام،
گوا اینکه دوره ۱۰ ژوئن تا ۳۰ ژوئن (بترتیب ۲۰ خرداد تا ۸ مرداد) مقارن
تعطیلات دیوان بوده و شعب دیگر در این فاصله کاری نمی کنند. از آنجا که
کار این دیوان مرفر سوده کرده است، باید از چند هفته تعطیلی که از حالا
تا پایان ژوئن برایمانده است استفاده کنم. از شما درخواست می کنم
درغیا با این جانب جلسات شعبه را برگزار ننمائید.

با احترام و ارادات

دکتر شفیعی

لاسه، ۲۹ ژوئن ۱۹۸۳ (۸ تیرماه ۱۳۶۲)

آقای شفیعی

دوست عزیز

نامه مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲ تیرماه ۱۳۶۲) شما که در تاریخ دوشنبه ۲۷ ژوئن (۶ تیرماه) توسط خانم اورارد به اینجانب داده شد، مایه شگفتی بسیار گردید.

به اینجانب گفته‌اید که مایلید طی هفته ۲۷ ژوئن تا ۳ ژوئیه (۶ تیر تا ۱۲ تیر) استراحت کنید و اینجانب با اینکه از این موضوع بسیار ناراحت شدم، موافقت کردم.

اما عزیمت شما تا پایان ژوئیه هرگز مطرح نبوده و تعجب می‌کنم که در آن هنگام در این باره با من صحبت نکرده‌اید.

اطلاع دارید که بموجب دستور مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خردادماه ۱۳۶۲) رئیس دیوان، شعبه دو تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) علاوه بر وظایف خود، به امور مربوط به دو شعبه دیگر نیز رسیدگی خواهد کرد و نیز از ماهها قبل اطلاع دارید که اینجانب باید در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) این دیوان را ترک گویم و رسیدگی به این پرونده‌های متعددی که در دست شماست باید پیش از این تاریخ پایان یابد.

شما نمی‌توانید برخلاف قاعده غیبت کنید و من از شما دعوت می‌کنم پس از چند روز استراحت از ۵ ژوئیه (۱۴ تیر) بازگردید.

ارادتمند

پ. بله

اول ژوئیه ۱۹۸۳ برابر با ۱۰ تیر ۱۳۶۲

به : آقای بله رئیس شعبه

از : دکتر شفیع

آقای رئیس

در نامه مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۳ (۸ تیر ۱۳۶۲) جناب عالی به اینجانب مطالبی آمده است که با واقعیت تطبیق نمی کند . در کمال تأسف باید بگویم که حتی برخی از دستورهائی که بنام دیوان مادر کرده ایدگاهی حاوی نکات نادرستی است .

حقیقت اینست که دوره تعطیلات دیوان از ۱۰ ژوئن (۲۰ خرداد) تا ۳۰ ژوئیه (۸ مرداد) تعیین شده است . همکاری آمریکائی ما آقای آلدریج به مدت یکماه (از ۲۷ مه برابر با ۶ خرداد تا ۲۷ ژوئن برابر با ۶ تیر) از مرخصی استفاده کرده است و طی این دوره اینجانب بمنظور گشودن مسائل اداری و فوری شعبه مان به کار ادامه داده ام . تا آنجا که به اینجانب مربوط است ، برخلاف آنچه در نامه مورخ ۲۹ ژوئن شما آمده ، صریحا " جناب عالی را از تصمیم خوددائراستفاده از تعطیلات در ماه ژوئیه ۱۹۸۳ مطلع کرده ام .

بی تردید از مدت‌ها پیش می دانستم که ماء موریت شما در تاریخ ۳۱ ژوئیه (۹ مرداد) پایان می گیرد . اما دانستن این نکته نمی تواند مرا از استفاده از مرخصی سالانه محروم سازد . از سوی دیگر ، هیچ عاملی نمی تواند ما را مجبور کند که طی شورهای شتاب زده و غیرعادی در باب کلیه پرونده های در دست رسیدگی تصمیم بگیریم پرونده هائی که بعضا " بسیار حجیم و پیچیده اند .

شما به دستور مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خرداد ۱۳۶۲) رئیس دیوان که در آغاز اهمیت

برای آن قائل نبودید نیز اشاره می کنید . در این زمینه باید مواء کدا " یادآور شوم

که این دستور که بدون کمترین مشورتی با اینجانب صادر گردیده ، منحصر " ناظر به پرونده های بسیار فوری چون " قرارهای موقت" یا " حل و فصل دعاوی " است که بهر حال بسیار نادرند. رئیس دیوان ، آقای لاگرگرن در یک مذاکره تلفنی نیز به اینجانب یادآور شد که دستورات ایشان ناظر به موارد استثنائی است و آنهم به شرط آنکه اینجانب حضور داشته باشم .

در گذشته نیز مواردی وجود داشته که شما به تنهایی بنام دیوان در باب مسائل اداری شعبه تصمیم گرفته اید ، عملی که قواعد دیوان اجازه آنرا به شما نمی دهد . بنا بر این بنظر می رسد که باید به شما خاطر نشان سازم که نباید جلسات شعبه را برخلاف قاعده بهنگام تعطیلات دیوان و در غیاب اینجانب برگزار کنید .

مراتب احساسات صمیمانه ام را بپذیرید .

دکتر شفیع شفیعی

لاہہ ، ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۲ تیر ۱۳۶۲)

فوری

آقای شفیع

دوست عزیز

متاء سقم که اینروزها هیچگاه شمارانمی بینم . به صورتجلسات دیوان مراجعه کردم . در هفتاد و دومین صورتجلسه دیوان ، پیش بینی شده است که استفاده از تعطیلات منحصر " تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۶ تیر ۱۳۶۲) مجاز بوده و پس از این تاریخ نمی توان به مرخصی رفت .

آقای آلدریچ چند ماه پیش وبدون آنکه از جانب هیچکس اعتراضی شود ، به ما اطلاع داد که از پایان مه تا پایان ژوئن به مرخصی خواهد رفت .

آنگاه میان ماسه نفراین تفاهم پدید آمد که بمحض بازگشت ایشان ، در باب پرونده های معوق بحث خواهد شد و حتی خود شما در این هنگام اصرار کردید که شور های مربوط به پرونده آی . تی . تی . به ژوئیه ۱۹۸۳ موکول گردد .

بنابراین از این امر که ابتدا تقاضای یک هفته (از ۲۷ ژوئن تا ۴ ژوئیه) استراحت کردید و سپس در نامه مورخ ۲۳ ژوئن (۲ تیر) اطلاع دادید که مدت نامعلوم بیشتری در مرخصی خواهید بود ، شگفت زده شدم .

برای آنکه پیش از ترک دیوان بعنوان رئیس شعبه دو بتوانم در مورد حل و فصل پرونده های در دست بررسی تصمیمات ضروری اتخاذ کنم ، می بایستی مدتها پیش از تصمیم خود مرا مطلع می کردید .

علاوه بر این رئیس دیوان در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خرداد ۱۳۶۲) دستوری صادر کرد که تلویحا " بمعنای آن بود که ما می بایست در ماه ژوئیه همواره در اختیار دیوان باشیم .

از اینرودوستانه و در عین حال در کمال قاطعیت از شما تقاضای کنم که تا پایان
ژوئیه بمنظورشور در باب پرونده های اینترند، گروئن ، هافمن و جیستی، مین در
کلیه جلسات شعبه حضوریافته و آنگاه در امضای احکام شرکت جوئید.

در صورت غیبت شما ، آقای آلد ریچ و اینجانب مجبور خواهیم شد بدون شما به
پرونده ها رسیدگی کنیم .

باتشکر قبلی و ارادت

پ . بله

(ترجمہ فارسی)

۱۳ ژوئیہ ۱۹۸۳ء برابر ۲۲ تیر ۱۳۶۲

بہ: آقای بلہ

از: ک. خشایار

رونوشت نامہ های مورخ ۱۳ ژوئیہء شما بعنوان آقای شفیعی بہ اینجانب
واصل گردید. بہ استحضار می رساند کہ بہ علت تعطیلات تابستانی دادگاہ
آقای شفیعی در مسافرت بوده و در حال حاضر هیچگونہ دسترسی بہ ایشان
ندارم.

علیہذا متاسفم کہ در این مورد امکان هیچگونہ اقدامی از طرف اینجانب
وجود ندارد.

(ترجمہ فارسی)

تذکار یہ

به : آقای بله

از : ک . خشایار

تاریخ : ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۳ برابر با ۲۷ تیر ۱۳۶۲

با توجه به این حقیقت که آقای شفیع رسما "وصراحتا" به شما اطلاع داده اند که در خلال تعطیلات تابستانی دادگاه در ماه ژوئیه ۱۹۸۳ در مرخصی سالیانه خواهند بود، و نظریه آنکه شما از واقعیت آنکه غیبت ایشان تا پایان ماه ژوئیه به طول خواهند انجامید آگاهی کامل دارید، لذا هیچ دلیلی وجود ندارد که پیش نویس آراء و بیانامه هایی که بعنوان آقای شفیع است، به دفتر ایشان و یا نگهبانی ارسال دارید.

خواهشمند است به پیوست پاکت های باز نشده فوق را دریافت نمایید.

رونوشت : آقای آلدریج

رونوشت : آقای پینتو دبیرکل